

بررسی ماهیت بیداری اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب

محسن کربلایی نظر*

حمید پارسانیا**

چکیده

شناخت دقیق و جامع از ماهیت هر مسئله‌ای، از مهم‌ترین امور مربوط به آن قلمداد می‌شود تا به واسطه این شناخت، قضاوت و تصمیم در مورد آن امر بهتر صورت پذیرد. این امر در ارتباط با مسئله بیداری اسلامی به دلیل وجود تحلیل‌های متعدد و بعضاً متضاد از آن (نظیر عربی، آمریکایی و یا اسلامی بودن ماهیت آن) اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند، لذا در این متن به ماهیت‌شناسی این جریان از منظر رهبر انقلاب پرداخته شده است. این ماهیت‌شناسی به واسطه بررسی سه ساحت پیش‌زمینه‌ها، عنصر میدان‌دار و عوامل معارض و مزاحم با این جریان بررسی شده است.

واژگان کلیدی

اسلام، رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی، مردم، استکبار.

مقدمه

سخن از بیداری اسلامی، سخنی ناآشنا و جدید نیست؛ زیرا سالیان سال و قرون متمادی است که این بحث در میان اندیشمندان مطرح بوده و مصلحان بزرگی دغدغه چنین امر خطیری را داشته‌اند و در این راه خطرپذیری کرده و هزینه‌هایی را نیز به جان خریدند؛ اما مشیت الهی بر آن تعلق گرفت که تجلی آن زحمات و سختی‌ها در عصر حاضر نمایان گردد و رستاخیز عظیم اسلامی همگان را متحول سازد و روحی دوباره بر پیکر امت اسلامی دمیده شود.

این نعمت بزرگ برای به ثمر نشستن و به نتیجه نهایی رسیدن، نیازمند شناسایی دقیق و همه‌جانبه

karbalaie110@yahoo.com

*. سطح سه حوزه و دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.

** . دانشیار دانشگاه باقرالعلوم.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱۴

است تا به واسطه آن بتوان راهکارهای متناسب با آن طراحی شود. طبیعتاً بهترین راه برای دستیابی به این ماهیت‌شناسی، مراجعه به متخصصان و صاحب‌نظران در این زمینه است. در میان تمامی آنها نیز، مسلماً بهترین مصداق برای این امر کسی است که از طرفی فکر و جانش با دستمایه‌های اسلامی نضج گرفته باشد و از سوی دیگر آشنای با مسائل باشد و بتواند عرصه را خوب تشخیص دهد و از افقی گسترده به تحلیل شرایط پردازد؛ و مهم‌تر آنکه در میدان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نیز حضوری کاملاً جدی داشته باشد تا براساس آن اولاً تحلیل وی از اوضاع و شرایط تحلیلی صرفاً انتزاعی نباشد و ثانیاً، به واسطه رفت و آمد بین عرصه علم و میدان عمل بتواند راهکار و مدلی مناسب و کارآمد عرضه کند.

با توجه به ویژگی‌های مذکور و دیگر ملاک‌ها می‌شود گفت بهترین کسی که در عصر حاضر مجمع فضایل و کمالات مطلوب در این وادی است، رهبری معظم انقلاب اسلامی است که علاوه بر ویژگی‌های مذکور، متصف به بسیاری دیگر از صفات لازم برای این امر می‌باشند؛ بر این اساس رجوع به بیانات معظم‌له در این زمینه از اهمیت چندانی برخوردار خواهد بود.

اما نکته در این است که برای استفاده از نظریات ایشان و دست یافتن به خطوط کلی و منظومه فکری معظم‌له در این خصوص، علاوه بر محتوا، نیازمند روشی جامع برای استخراج نظریه ایشان هستیم.

در زمینه محتوا باید گفت ایشان برای اولین بار، به طور منسجم و منظم، دیدگاه خود در خصوص بیداری اسلامی و انقلاب‌های منطقه را در «اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی» مطرح کردند و از آنجا که این اجلاس برای اولین بار تشکیل می‌شد و ایشان نیز در صدد طرح مباحث کلیدی و اولویت‌دار در این راستا بودند، لذا پرداختن به این سخنرانی به عنوان سخنرانی محوری، مطلوب به نظر می‌رسد.

در ارتباط با روش هم، از آنجا که مسئله بیداری اسلامی حادثه و پدیده‌ای در عالم خارج و واقع است، لذا از جوانب مختلف قابل بررسی است و از شیوه‌های متعددی برای تحلیل آن می‌شود استفاده کرد که در این میان می‌توان به برخی الگوهای تحلیلی مثل «SWOT» (نقاط قوت، ضعف و فرصت، تهدید)، یا تحلیل سیستمی (بررسی زمینه‌ها، فرآیندها و سپس برآیندها) و همین‌طور روش تحلیل بحران (پاسخ به چهار سؤال بحران چیست، ریشه‌اش کجاست، وضعیت مطلوب چیست و راه‌گذر از وضع موجود به مطلوب چیست) اشاره کرد. اما با کنکاش در بیانات معظم‌له در می‌یابیم که خود ایشان برای تحلیل حوادث، الگویی را پیشنهاد می‌دهند که به واسطه آن، تحلیل حوادث و وقایع منسجم‌تر انجام می‌شود.

از خصوصیات این مدل آن است که در نوع خود مدلی بدیع به شمار می‌رود؛ زیرا دیگر الگوها نظیر روش تحلیل سیستمی، تحلیل گفتمان و یا تحلیل شبکه و ...، الگوهای عامی هستند که به عنوان راه حل عمومی برای تحلیل و بررسی موارد مختلف از آنها استفاده می‌شود، اما مدل ایشان به طور خاص و مشخص ناظر به تحلیل حوادث و جریان‌هاست؛ و از همه مهم‌تر اینکه با مراجعه به فرمایشات خود ایشان - از جمله متن

سخنرانی ایشان در اجلاس بیداری - درمی‌یابیم که خود معظم له نیز ناظر بدین شیوه بوده‌اند. (که تأییدات آن در ضمن مطالب نیز خواهد آمد) بر این اساس می‌توان گفت که این شیوه و روش، دقیق‌تر از دیگر موارد محسوب می‌شود و بدین سبب مقاله حاضر براساس آن پی‌ریزی می‌شود.^۱

اما مدل و نظر مقام معظم رهبری برای تحلیل حوادث این چنین است که می‌فرمایند:

در همه حوادث عالم چند عنصر را باید در کنار هم دید: یکی نگاه به عوامل اولی، یعنی عوامل بالادستی حادثه است: انگیزه‌ها، هدف‌ها، زمینه‌های تاریخی، زمینه‌های جغرافیایی و جغرافیای سیاسی؛ اینها چیزهایی است که در شناخت حادثه تأثیر دارد ... این، آن پیش‌زمینه است. عنصر دوم نگاه کردن به میدان‌دار و صاحب حادثه است ... عنصر سوم در هر حادثه‌ای، عوامل معارض و مزاحم با آن حادثه یا با آن حرکت است که هزینه‌هایی را تحمیل می‌کند. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مردم شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۱)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این روش مشخصاً و مستقیماً به بررسی ابعاد مختلف یک پدیده و انقلاب و جریان اجتماعی می‌پردازد و به واسطه این روش می‌توان به آن مطالب کلیدی و بزنگاه‌های حساس یک جریان و حرکت و انقلاب دست یافت و بر اساس آن به تحلیل صحیح آن جریان رسید. بنابراین، با تکیه بر بیانات معظم‌له در اجلاس بیداری اسلامی و براساس مدل برگرفته از فرمایشات خودشان، به تحلیلی کلی از موضوع «ماهیت شناسی بیداری اسلامی» از منظر ایشان می‌پردازیم.

پیش‌زمینه‌ها

در مورد اهمیت این قسمت می‌توان گفت، این بخش جزو مهم‌ترین قسمت‌های تحلیل یک حادثه است؛ زیرا اساساً در شکل‌گیری یک حادثه و انقلاب نیز این بخش، عنصری کلیدی و محوری به حساب می‌آید و بر اساس همین پیش‌زمینه‌هاست که یک جریان، صاحبان و متصدیان واقعی و معارضان اصلی خود را شناسایی می‌کند.

۱. پیش‌زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فکری، فرهنگی

در تبیین نیاز به بررسی ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب‌ها می‌توان گفت:

جایگاه نخست انقلاب در قلب انسان‌هاست ... بدین بیان انقلاب در نفس و قلب انسان‌ها در قالب باور و معرفتی نوین نسبت به هستی‌جوانه می‌زند و از آن پس در قلمرو آرمان اجتماعی خاصی مراتب ظهور خود را تا مرحله حذف نظام موجود و تحقق نظام مطلوب ادامه می‌دهد. بنابراین، هرچند انقلاب اجتماعی در مقطع زمانی خاصی در سطح جامعه روی می‌دهد اما در گذشته تاریخی نیروهایی ریشه دارد که در تحقق آن سهیم‌اند. (پارسانیا، ۱۳۸۹: ۲۰ - ۱۹)

۱. لازم به ذکر است که خود این مدل به عنوان چارچوب نظری و شیوه تحلیل حوادث، احتیاج به بررسی‌های دقیق علمی دارد، تا ابعاد آن بیشتر باز شود و بهتر در اختیار متفکران قرار گیرد.

لذا پرداختن به این اثر بسیار ضروری به نظر می‌رسد. اما همان‌طور که گذشت سیر سخنان ایشان در اجلاس می‌تواند مؤید خوبی بر صحت انتخاب روش تحلیل ما در این مسئله باشد؛ زیرا خود ایشان در گام اول به بررسی این امر مهم می‌پردازند و به بررسی ریشه‌های تاریخی این جریان اشاره کرده و می‌فرمایند:

شک نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفت‌ها و تجربه‌ها است. در صد و پنجاه سال اخیر حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان‌ساز اسلامی در مصر و عراق و ایران و هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا، پیش‌زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلامند. همچنان‌که تحولات دهه‌های پنجاه و شصت میلادی در تعدادی از این کشورها که به رژیم‌های غالباً متمایل به تفکرات و ایدئولوژی‌های مادی منتهی شد و به اقتضای طبیعت خود پس از چندی در دام قدرت‌های استکباری و استعماری غرب گرفتار آمد، تجربه‌های درس‌آموزی‌اند که سهم وافری در شکل دادن به اندیشه عمومی و عمیق کنونی دنیای اسلام دارند. ماجرای انقلاب کبیراسلامی در ایران که در آن به تعبیر امام خمینی عظیم، خون بر شمشیر پیروز شد و تشکیل نظام ماندگار و مقتدر و شجاع و پیش‌رونده جمهوری اسلامی و تأثیر آن در بیداری اسلامی امروز نیز، خود داستان مفصل و در خور بحث و تحقیقی است که یقیناً فصل مشبعی در تحلیل و تاریخ‌نگاری وضعیت کنونی دنیای اسلام را به خود اختصاص خواهد داد. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶)

بر اساس فرمایشات ایشان در این قسمت، توجه به چند موضوع قابل بررسی است: اولاً، نقش حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان‌ساز اسلامی در صد و پنجاه سال اخیر؛ ثانیاً، به وجود آمدن انقلاب اسلامی ایران و ثالثاً، وجود تحولاتی در برخی از این کشورها که به رژیم‌های غالباً متمایل به تفکرات و ایدئولوژی‌های مادی منتهی شد.

یک. حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان‌ساز اسلامی

در خصوص اهمیت این عامل، باید گفت سکان‌داران و هادیان اصلی یک امت و جامعه، نخبگان علمی، معنوی و سیاسی آن جامعه می‌باشند که نقشی بسیار مهم و تأثیرگذار در جهت‌گیری‌های آن جامعه دارند، لذا هر اندازه به تحلیل شخصیت، بینش و گرایش‌های آنها پرداخته شود، بهتر به زوایای مختلف آن جامعه و انقلاب می‌توان دست یافت.

در خصوص بیداری اسلامی هم می‌توان به شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذاری نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی یا اقبال لاهوری و محمد عبده و از علمای شیعه به مرحوم شرف‌الدین عاملی و بزرگان دیگری اشاره کرد که با زحمات خود در زمینه‌های مختلف نهال بیداری را در دل امت اسلامی غرس کردند و برای به ثمر نشستن آن رنج‌های بیشماری متحمل شدند.

دو. تشکیل انقلاب اسلامی ایران

عامل دوم، عبارت است از تشکیل نظام ماندگار و مقتدر و شجاع و پیش‌رونده جمهوری اسلامی. در این زمینه

تردیدی نیست که انقلاب اسلامی، هیمنه پوشالی استکبار را بر جهان آشکار کرد و اثبات نمود که قدرت ایمان بر قوت ابزار و سلاح برتری دارد. تا قبل از اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی برسد، هیچ ملتی باور نداشت که با دستانی خالی اما با دلی مملو از ایمان و اتکا به خداوند متعال، می‌توان با تمام دنیای غرب و بلوک شرق مبارزه کرد و به خواست خداوند به پیروزی رسید. البته اهمیت تشکیل جمهوری اسلامی ایران، فقط منحصر در این یک بُعد نمی‌شود و از دیگر جهات نیز قابل بررسی است؛ زیرا یکی از بزرگترین آفت‌هایی که دچار امت اسلامی شده بود، از بین رفتن اعتماد به نفس و روحیه خودباوری آنها بود؛ اگرچه از نقش پنهان استکبار در ترویج این روحیه در بدنه جامعه مسلمین نباید غافل بود. این جمله از رهبر حکیم انقلاب شاهد خوبی بر این مدعاست که:

بزرگترین جنایت استعمار و ایدای خائن آن که در طول سال‌های متمادی بر کشورهای اسلامی حکومت کردند این بود که روح دفاع و سلحشوری را در ملت‌ها کشتند و آنان را به شعارهای پوچ، مثل قومیت و ملیت‌های افراطی سرگرم کردند؛ لذا می‌بینید که تقریباً از دو قرن پیش، دشمنان ملت‌های اسلامی به کشورهای آنها سرازیر شدند و هر وقت به‌نحوی آنها را تحقیر و ذلیل و غارت کردند و رفتند و ملت‌ها همین‌طور آنها را تماشا و تحمل کردند. کار به آنجا رسید که امروز می‌بینید ملت‌های مسلمان، جزو ضعیف‌ترین ملت‌های جهان هستند؛ درحالی‌که اسلام در بطن خود، دارای قدرت و عزت و کرامت است. اسلام که ذلت‌پذیر نیست؛ چرا مسلمانان این‌طور شدند؟! این همان کاری است که حکومت‌های دست‌نشانده با ملت‌های مسلمان انجام دادند؛ آنها را سرکوب و ذلیل و ذلت‌پذیر کردند؛ هر وقت هم عده‌ای خواستند با الهام‌گیری از روح اسلام کاری بکنند، از همه طرف آنها را محاصره کردند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از شعرا، ۱۳۹۰/۵/۲۴)

در چنین فضایی بود که تشکیل جمهوری اسلامی همچون برهان قاطع و ید بیضایی، خط بطلانی بر تمامی این اعتقادات و پندارها کشید و بی‌پایه بودن آنها را به تمامی دنیا و خصوصاً دنیای اسلام نشان داد. بر این اساس این انقلاب، الهام‌بخش تمامی مردم و ملت‌های آزادی‌خواه می‌شود و می‌توان به آن لقب مادر انقلاب‌های اخیر و بیداری اسلامی را داد. رهبر انقلاب می‌فرماید:

امروز شما چه بخواهید، چه نخواهید؛ چه خودتان بدانید، چه ندانید؛ چه تصدیق بکنید یا نکنید، برای بسیاری از ملت‌ها الگو و اسوه شده‌اید. این بیداری اسلامی که مشاهده می‌کنید، چه بگوئیم، چه نگوئیم؛ چه به رو بیاوریم، چه نیاوریم؛ چه دیگران به رو بیاورند، چه نیاورند، اثر گرفته از حرکت عظیم ملت ایران است. این انقلاب عظیم، این انقلاب بزرگ، این تحول بنیان‌برافکن سنت‌های طاغوتی و نظام طاغوتی و نظام سلطه، ملت ایران را به یک اسوه تبدیل کرد. (بیانات در دیدار جمعی از شعرا، ۱۳۹۰/۵/۲۴)

از دیگر ثمرات بسیار بزرگ انقلاب اسلامی این بود که به مسلمانان عالم عزت بخشید و روحیه امید را در دل آنها زنده کرد. این مطلب این قدر حائز اهمیت است که رهبر انقلاب از آن به عمق استراتژیک انقلاب تعبیر می‌کنند:

انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد و با پیروزی آن، در هر جای دنیا که مسلمان هشیار و آگاهی بود، احساس کرد عزت و قدرت یافته است ... هر مسلمانی، هر جای دنیا بود، احساس کرد پیروز شد و عزت و قدرت پیدا کرد ... مقصود این است که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اعتزاز و افتخار و مباهات به اسلام در مسلمانان زنده شد. اسلام، عزیز شد و مسلمان احساس کرد که اسلام مایه سربلندی اوست. این هم از برکات انقلاب اسلامی بود. اصلاً یکی از ابعاد این انقلاب و به قول معروف «عمق استراتژیک انقلاب ما» همین است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۴/۱۱/۱۳۷۳)

سه. تجربه تلخ از انقلاب‌های گذشته

تجربه تلخ کشورهای اسلامی از انقلاب‌های صوری و ظاهری گذشته که در این قرون و سالیان اخیر در آنها رخ داده است، سومین رکن از مسائلی است که در تحلیل پیش‌زمینه‌ها باید لحاظ شود.

در تبیین این گذشته تلخ به بسیاری از کشورهای اسلامی در آفریقا، در آسیا و در خاورمیانه می‌توان اشاره کرد که در آنها چه نظام‌هایی رفتند و نظام‌های دیگری آمد؛ اما با این وجود بازهم همه جا مسلمانان در انزوا و عزلت بودند. مثلاً کشوری مثل عراق، رژیم سلطنتی داشت؛ رژیم سلطنتی رفت، رژیم دیگری بر سر کار آمد و چند تغییر دیگری انجام شد تا اینکه نوبت به بعثی‌ها رسید. اما نکته این است که در تمام این نقل و انتقال‌ها، کسانی که جایشان خالی بود، مسلمانان بودند. (اقتباس از بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۴/۱۱/۱۳۷۳)

اما پاسخ به این سؤال لازم است که اساساً تحلیل زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و ... چه ثمره و اهمیتی دارد؟ و چه افق و ابعادی را برای ما شکوفا می‌سازد؟

بررسی زمینه‌های شکل‌گیری یک انقلاب و نهضت از جوانب مختلف قابل تحلیل است؛ اولین ثمره آن مربوط به تحلیل صحیح از خود آن انقلاب است؛ زیرا از بهترین راه‌ها برای شناسایی اینکه یک حرکت، به تمام معنا یک انقلاب است یا اینکه صرفاً موجی زودگذر می‌باشد، مراجعه به شواهد مختلف تاریخی و فکری و ریشه‌های آن جریان است. ثمره دیگر مربوط به خود انقلابیان است که اگر پس از تحلیل پیش‌زمینه‌ها دریابند که نه تنها انقلابشان حرکتی گذرا و موجی زودگذر نیست، بلکه مطالبه‌ای فراگیر، عمومی و تاریخی است، آنها که میدان‌دار این انقلاب هستند دلشان گرم‌تر می‌شود و آنها که می‌خواهند به این انقلاب بپیوندند، اعتمادشان بیشتر می‌گردد. آخرین نکته هم مربوط به نحوه برخورد با جبهه معارض و مزاحم است که می‌تواند یکی از بزرگترین سیاست‌ها و حربه‌هایشان را خنثی سازد؛ زیرا اگر مردمی، انقلاب خود را خوب

شناختند و از عمق تاریخی و فکری آن مطلع شدند و به آن اعتماد کردند، دیگر دشمنان آنها به راحتی نمی‌توانند آن مردم را از انقلاب خود مأیوس کنند و بدین واسطه آنها را از انقلاب خود دور و ناامید سازند. رهبر فرزانه انقلاب هم در این زمینه می‌فرماید:

حاصل آنکه حقایق رو به افزایش کنونی در دنیای اسلام، حوادث بریده از ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های اجتماعی و فکری نیستند تا دشمنان یا سطحی‌نگران بتوانند آن را موجی گذر و حادثه‌ای در سطح بینگارد و با تحلیل‌های انحرافی و غرض‌آلود، مشعل امید را در دل ملت‌ها خاموش سازند. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶)

۲. اصول، اهداف و انگیزه‌ها

از دیگر ارکان مهم در ماهیت‌شناسی انقلاب‌ها (بعد از بیان ریشه‌های مختلف)، توجه به اصول، اهداف و انگیزه‌های آن انقلاب است. رهبر فرزانه انقلاب در این مورد معتقدند:

اصول انقلاب‌های کنونی منطقه ...؛ در درجه اول اینهاست: احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی که در طول زمان با دیکتاتوری حاکمان فاسد و با سلطه سیاسی آمریکا و غرب، در هم شکسته و پامال شده است، برافراشتن پرچم اسلام که عقیده عمیق و دلبستگی دیرین مردم است و برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت و شکوفایی‌ای که جز در سایه شریعت اسلامی به دست نخواهد آمد، ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه آمریکا و اروپا که در طول دو قرن بیشترین لطمه و خسارت و تحقیر را بر مردم این کشورها وارد آورده‌اند. مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست که استعمار چون خنجری در پهلوی کشورهای منطقه فرو برده و وسیله‌ای برای ادامه سلطه اهریمنی خود ساخته و ملتی را از سرزمین تاریخی خود بیرون رانده است. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶)

براساس این فرمایش، اهم اصول و انگیزه این قیام‌ها و انقلاب‌ها را می‌توان در این امور برشمرد:

یک. احیا و تجدید عزت و کرامت ملی

برخورداری از عزت و کرامت انسانی نه تنها یکی از اولی‌ترین نیازهای اساسی افراد است، بلکه اساساً اگر جامعه‌ای احساس کند عزت، شرافت و کرامت او خدشه‌دار شده است، از حرکت به سمت اهداف خود مأیوس می‌گردد و یا اینکه نهایتاً نسبت به آن نظام و تفکر حاکم عکس‌العمل نشان می‌دهد. به همین سبب یکی از اهداف و رسالت‌های هر انقلاب و مکتبی باید حفاظت و صیانت از عزت و کرامت ملی مردمشان باشد. جامعه‌ای که در یک مجموعه جغرافیایی و سیاسی زندگی می‌کند، کرامتش اقتضا می‌کند که آزاد و مستقل باشد و استعداد او شکوفا شود؛ بر سرنوشت خود مسلط باشد؛ مورد تحقیر و اهانت قرار نگیرد و شخصیت ذاتی او بروز کند.

حکومت‌های استبدادی شاید گاهی خدمات بزرگی هم از قبیل فتوحات و عمران و آبادی داشته باشند، اما بزرگترین ارزش انسانی هر انسان را که عبارت است از آزادی، اختیار، استقلال و در اختیارداشتن سرنوشت خویش،

از ملت‌ها می‌ربایند. آنها که شعار لیبرالیسم و دفاع از حقوق مردم و اکثریت جامعه را سرلوحه برنامه‌های ظاهری خود قرار داده‌اند نیز عملکردشان چندان متفاوت با حکومت‌های دیکتاتوری نیست؛ زیرا آنچه که در مکاتب مختلف غربی، غریب و بی‌معناست توجه و ارزش دادن به کرامت انسانی است. (البته شاید این مطلب با شعارها و سیاست‌های نمایش گونه آنها متضاد باشد، اما با تحلیلی عمیق‌تر و دقیق‌تر پذیرش آن خیلی سخت نیست)

برافراشتن پرچم اسلام

از آنجا که ماهیت و هویت بنیادین این انقلاب‌ها اسلامی است، طبیعتاً باید آنچه که به عنوان محوری‌ترین پیام از این انقلاب‌ها شنیده شود، اسلام‌خواهی و گرایش به سمت پیاده کردن احکام اسلامی در جامعه باشد؛ همان واقعیتی که از سال‌ها قبل رهبر انقلاب به آن اشاره کردند. ایشان در زمانی که کسی باور نداشت چنین سیل خروشان به تلاطم درخواهد آمد و شکوفه‌های این نهال زیبا روزی به ثمر خواهد نشست، فرمودند:

امروز اوضاع در دنیای اسلام تفاوت کرده است؛ بیداری اسلامی در سرتا سر دنیای اسلام محسوس است؛ حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه دنیای اسلام مشاهده می‌شود؛ میل برگشت به مبانی اسلامی که مایه عزت و پیشرفت و ترقی است. روشنفکران، علما و سیاسیون دنیای اسلام این حرکت را باید تقویت کنند. خطاست اگر کسانی در دنیای اسلام تصور کنند که حرکت بیداری اسلامی در بین جوانان، به ضرر دولت‌های اسلامی است؛ نه، دولت‌های اسلامی به برکت بیداری اسلامی می‌توانند عزتی را که قدرت‌های استکباری از آنها گرفته‌اند، به خودشان برگردانند. (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۲/۲۹)

اما سر اینکه چرا باید به این امر واضح، به عنوان یکی از اصول اشاره شود را باید در رفتار و حرکت‌های جبهه مقابل این بیداری اسلامی جستجو کرد؛ زیرا:

غربی‌ها خیلی تلاش می‌کنند. امروز همه دستگاه‌های تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی آمریکا و بعضی از مزدورانشان در این منطقه به کار افتاده است تا این انقلاب‌های مردمی را، این قیام‌های بزرگ را از مسیر اصلی منحرف کنند؛ جنبه اسلامی آن را مخفی کنند، مکتوم کنند، انکار کنند؛ کسانی را پیداکنند که با فریب مردم بر سر کار بیایند و همه معادله‌ها را باز دوباره به نفع غرب برگردانند. این تلاش‌ها را دارند می‌کنند، لیکن فایده‌ای ندارد؛ ملت‌ها بیدار شده‌اند، وقتی ملتی بیدار شد، وقتی ملتی وارد عرصه شد، جان خود را کف دست گرفت و آمد، دیگر نمی‌شود او را برگرداند، نمی‌شود او را فریب داد. (بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۱۳۹۰/۰۴/۰۹)

دو. برخورداری از امنیت روانی و عدالت

از دیگر اصول اولیه این انقلاب‌ها مطالبه امنیت روانی و عدالت است که البته این امر تنها مربوط به این خیزش‌ها و جریان‌ها نمی‌شود؛ زیرا:

عدالت، خواسته یک جماعت خاصی از مردم یا اهل یک کشور و اهل یک ملت نیست؛ عدالت خواسته طبیعی و تاریخی همه آحاد بشر در طول تاریخ بشریت است. همان چیزی است که

بشر تشنه آن است و جز در حکومت انبیاء عظام الهی - آنهایی که به حکومت رسیدند - یا اولیاء برجسته مثل امیرالمؤمنین، عدالت به معنای واقعی کلمه اجرا نشده است. (دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی علیه السلام، ۱۳۸۷/۰۴/۶)

در طول تاریخ که نگاه کنید، بشریت از نبود عدالت می‌نالیده است؛ یعنی عدالت، خواسته بزرگ همه آحاد بشر در طول تاریخ است. امروز اگر کسی پرچم عدالت را به دست بگیرد، در حقیقت یک خواسته تاریخی طولانی طبیعی فطری انسان را مطرح کرده است. آئین اسلام، حرکت اسلام، بعثت نبی مکرم، در وهله اول و جزو فهرست اولین هدف‌ها، به دنبال عدالت است؛ مثل همه پیغمبران دیگر. یک خواسته مهم بزرگ اساسی دیگر بشر، صلح و امنیت و آرامش است. انسان‌ها برای زندگی، برای پرورش فکر، برای پیشرفت عمل، برای آسایش روان، احتیاج دارند به آرامش، به محیط و فضای امن و آرام؛ چه در درون خودشان، چه در محیط خانواده، چه در محیط جامعه، چه در محیط بین‌الملل. آرامش و امنیت و سلامت و صلح، یکی از خواسته‌های اساسی بشر است. اسلام، پیام‌آور امنیت و صلح و سلامت است. اینکه ما به تبع قرآن و با تعلیم قرآن می‌گوییم اسلام دین فطرت است، یعنی این. آن راهی را که اسلام در مقابل بشر می‌گذارد، راه فطرت است. (بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید معیت، ۱۳۸۹/۰۴/۱۹)

سه. ایستادگی در برابر نفوذ آمریکا و اروپا و مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیسم از دیگر اصول قطعی این انقلاب‌ها می‌توان به ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه آمریکا و اروپا و همچنین به مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست اشاره کرد.

در مورد ضرورت توجه به اصول، شعارها و اهداف یک انقلاب باید گفت که آنها شکل‌دهنده ماهیت واقعی یک جریان و تعیین‌بخش آن انقلاب هستند، لذا جزو نوامیس هر انقلابی به شمار می‌آیند. بنابراین، به هر میزان که از آنها صیانت و حراست شود، در واقع از انقلاب و ارزش‌های آن بیشتر حفاظت شده است. به دلیل همین امر، همیشه یکی از راه‌های ایجاد انحراف در انقلاب‌ها و جریان‌های اجتماعی از طریق تغییر در اصول و شعارهای آنهاست. لذاست که مقام معظم رهبری پرداختن به این امر مهم را به همگان متذکر می‌شوند و برای پیشگیری از این آفت می‌فرمایند:

توصیه دیگر، بازخوانی دائمی اصول انقلاب است. شعارها و اصول باید تنقیح و با مبانی و محک‌های اسلام تطبیق داده شوند... اصولتان را روی کاغذ بنویسید؛ اصالت‌های خود را با حساسیت بالا حفظ کنید؛ نگذارید اصول نظام آینده شما را دشمنان شما بنویسند؛ نگذارید اصول اسلامی در پای منافع زودگذر قربانی شود. انحراف در انقلاب‌ها، از انحراف در شعارها و هدف‌ها آغاز می‌شود. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶)

عنصر میدان‌دار و صاحب حادثه

دیگر از ارکان بسیار مهم برای ماهیت‌شناسی حوادث و انقلاب‌ها، شناخت آن عنصر میدان‌دار و صاحبان

اصلی آن جریان و انقلاب است؛ زیرا این رکن می‌تواند به بقیه ابعاد آن انقلاب نیز جهت دهد و آنها را تحت تأثیر قرار دهد؛ لذا همیشه یکی از اصلی‌تری سرمایه‌گذاری‌های جبهه مخالف، جهت‌دهی به این قسمت از بدنه انقلاب‌هاست. بنابراین، شناخت این رکن در هر انقلابی، قطعاً سهمی تعیین‌کننده در تحلیل و بررسی از اوضاع آن دارد. اما سؤال این است که عنصر میدان‌دار حوادث و انقلاب‌های اخیر چه عده و گروهی هستند؟ دیدگاه رهبر انقلاب در این زمینه این است که: «مردمی بودن این انقلاب‌ها مهم‌ترین عنصر در تشکیل هویت آنها است» و یا اینکه می‌فرمایند:

به نظر من مهم‌ترین عنصر در این انقلاب‌ها، حضور واقعی و عمومی مردم در میدان عمل و صحنه مبارزه و جهاد است، نه فقط با دل و خواست و ایمانشان، بلکه علاوه بر آن، با جسم و نشان. (همان)

لازم به ذکر است که بحث در این زمینه بسیار مبسوط و نیازمند بیان نکات مختلف است، نظیر اینکه اصولاً شاخصه‌های یک نظام مردمی چیست؟ مبانی خود را از چه منبعی اخذ می‌کند؟ اهدافش چیست؟ تمایزش با دیگر نظام‌های موجود به چه عنصر یا عناصری است؟ و دیگر سؤالاتی که باعث می‌شود به واسطه آن، یک نظام از نظامی دیگر شناخته شود. این سؤالات با بحثی است که مقام معظم رهبری در اجلاس بیداری اسلامی با عنوان «نظام‌سازی» مطرح کردند و بحثی بسیار دامنه‌دار و عمیق است، مرتبط می‌باشد؛ زیرا همان‌طور که خود ایشان هم اشاره کردند یکی از راه‌های تغییر در یک انقلاب به واسطه تغییر در ساختار و نظام حاکم بر آن است. ایشان می‌فرمایند:

نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند ... باحساسیت کامل باید مراقب بود که این با دموکراسی لیبرال غربی اشتباه نشود. دموکراسی لائیک و در مواردی ضد مذهب غربی با مردم‌سالاری اسلامی که متعهد به ارزش‌ها و خطوط اصلی اسلامی در نظام کشور است، هیچ نسبتی ندارد. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶)

البته همان‌طور که خود ایشان نیز متذکر می‌شوند لازم نیست که همه کشورها از یک الگوی واحد در این زمینه تبعیت کنند، بلکه با حفظ اصول واحد متخذ از دین واحد، هر یک از کشورها براساس مذهب و شرایط و ویژگی‌های خاص خودشان لازم است الگوی بومی متناسب با ظرفیت‌های خود را طراحی کنند. باوجود این امر، پرداختن به دو نکته محوری (برای تبیین بیشتر مسئله) ضروری به نظر می‌رسد. اولین نکته مربوط به ساختار حکومت‌هاست؛ بدین معنا که آیا حکومت‌هایی که از ساختاری به ظاهر مردمی برخوردارند، لزوماً در اصول و اهدافشان نیز یکسانند یا خیر؟ و اگر یکسان نیستند میزان تفاوتشان تا چه حد است؟ سؤال دوم اینکه ثمرات انقلاب به واقع مردمی چیست؟

در پاسخ به پرسش نخستین باید گفت، قطعاً هر دولت و حکومتی که ادعای مردم‌سالاری می‌کند، لزوماً اعتقاد و التزام عملی به آن ندارد و عملکرد آنها نیز در بسیاری از مواقع، مؤید خوبی برای این مدعاست. رهبر انقلاب در تحلیل رژیم‌های کمونیستی و شرقی می‌فرماید:

رژیم‌های کمونیست، رژیم‌های مستبدی بودند که با شعار حکومت مردمی سر کار آمده بودند؛ اما اشرافی هم بودند! با اینکه دم از ضدیت با اشرافی‌گری می‌زدند، اما عملاً حکومت‌های اشرافی بودند. از لحاظ استبداد، در نهایت درجه استبداد بودند و حاکمیت مطلق دولت بر اقتصاد، بر فرهنگ، بر سیاست و بر فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و غیره به چشم می‌خورد! در رژیم‌های شرقی، مردم هیچ‌کاره محض بودند.

ایشان در تحلیل نظام‌های غربی نیز اشاره می‌کنند که در غرب؛

اسم دموکراسی و مردم‌سالاری بود، اما در حقیقت سرمایه‌سالاری بود، نه مردم‌سالاری؛ امروز هم همین‌طور است. این مطلبی که عرض می‌کنم، ادعای من نیست. من از قول فلان نویسنده مسلمان متعصب نقل نمی‌کنم؛ از قول خود غربی‌ها نقل می‌کنم. امروز در کشورهای غربی و در خود آمریکا، آن چیزی که به نام دموکراسی و انتخابات وجود دارد، صورت انتخابات است. باطن آن، حاکمیت سرمایه است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳)

در مقابل این حکومت‌ها، در آنجا که می‌خواهند توضیحی از حکومت مردمی به تمام و حقیقت ارائه دهند، به تبیین حکومت حضرت ولی عصر^{علیه السلام} می‌پردازند و می‌فرمایند:

حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می‌دهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومت‌های مدعی مردمی بودن و دموکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه امروز در دنیا اسم دموکراسی و مردم‌سالاری را روی آن گذاشته‌اند، همان دیکتاتورهای قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروه‌ها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروه‌هاست و مردم در این میان هیچ‌کاره‌اند. یک گروه به قدرت دست پیدا می‌کند و در سایه قدرت سیاسی‌ای که همه زمام‌های امور را در کشور در اختیار او می‌گذارد و با سوءاستفاده از این قدرت، ثروت و پول و سرمایه به نفع خود گردآوری می‌کند و آنها را در راه به دست آوردن دوباره قدرت مصرف می‌کند. دموکراسی‌های امروز دنیا بر پایه تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشم‌ها و دل‌هاست. امروز در دنیا هر جا شعار دموکراسی می‌دهند، شما ببینید برای تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری و یا نمایندگان مجلس چه کار می‌کنند! پول خرج می‌کنند. دموکراسی در پنجه اقتدار پول اسیر است.

مردم‌سالاری امام زمان - یعنی مردم‌سالاری دینی - با این روش، به کلی متفاوت است. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاى تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

تمایز در انقلاب‌های مردمی

اما در پاسخ به پرسش دوم (که مربوط به ثمرات انقلاب‌های مردمی است)، باید گفت اگر ملتی حقیقتاً و با تمام اعتقاد به میدان آید، دارای آثاری و برکات فراوانی است؛ آثاری نظیر بیرون راندن دشمن از صحنه، تعیین اهداف و شعارها، شناسایی و تعقیب دشمن، ترسیم اجمالی از آینده مطلوب و سازش نکردن با دشمنان. در حرکت مردمی ممکن است کار انقلاب با تأخیر انجام گیرد، ولی از سطحی‌گری و ناپایداری به دور است.

کلمه طیبیه‌ای است مصداق کلام خداوند که فرمود: «ألم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمة طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء». در چنین انقلاب‌هایی، اصول و ارزش‌ها و هدف‌ها، نه در مانیفست‌های پیش‌ساخته گروه‌ها و حزب‌ها، بلکه در ذهن و دل و خواست آحاد مردم حاضر در صحنه، نگاشته و در قالب شعارها و رفتارهای آنان اعلام و تثبیت می‌شود. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶)

بر این اساس حضور واقعی مردم را می‌توان چنان اکیسیری دانست که به واسطه آن، یک ملت می‌تواند بر تمام خواسته‌هایش دست یابد و بر تمام مشکلاتش فائق آید. لذا عنصر میدان‌دار یک جریان و حادثه جزو یکی از مهم‌ترین ارکان تحلیل در ماهیت‌شناسی آن انقلاب قرار می‌گیرد.

عوامل معارض و مزاحم با انقلاب

از آنجا که «هر جا بیداری بیشتر باشد، دشمنان بشریت احساس خطر بیشتری می‌کنند؛ لذا دشمنی بیشتری می‌کنند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۹/۰۴/۱۹) و بیداری اسلامی هم به تعبیر مقام معظم رهبری:

اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیام‌ها و انقلاب‌هایی را پدیدآورده که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهورساخته است. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶)

لذا نباید طرح و نقشه دشمنان را نادیده گرفت و از آن غافل بود؛ به همین سبب در بخش‌هایی و برای شناخت هر چه بیشتر یک جریان لازم است عوامل معارض به خوبی شناسایی و سیاست‌های آنها تحلیل شود.

در گام نخست باید بپذیریم که اگر قرار است بیداری‌ای رخ دهد که با هویت و دسایس و سیاست‌های مزورانه چندین ساله استکبار جهانی در تعارض باشد، آنها نیز ساکت نخواهند نشست و به مبارزه برمی‌خیزند

و در این میان، قطعاً نبرد سختی را به چشمان خود خواهیم دید. البته این مطلب تازگی ندارد، بلکه به فرموده مقام معظم رهبری:

معلوم است که جامعه‌سازی و مدنیت‌سازی - که یکی از بزرگترین هدف‌های اسلام است - بدون دشمنی ممکن نیست. در صدر اسلام هم با تشکیل نظام و جامعه اسلامی دشمنی شد؛ امروز هم همین‌طور است. امروز در دنیای اسلام، ملت‌های مسلمان روح اعتزاز به اسلام را در خود می‌یابند و به خاطر اسلام احساس عزت می‌کنند. بیداری اسلامی حقیقتی است که به وجود آمده است؛ چه دشمنان امت اسلامی بخواهند، چه نخواهند. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۷/۰۲)

البته درک سرّ این مسئله نیز چندان مشکل به نظر نمی‌رسد؛ زیرا هر جا حقی رخ می‌نماید، جریان باطل و شیطانی نیز در برابر آن قد علم می‌کند تا بلکه آن را از پای در آورد؛ بی‌خبر از آنکه به فرمایش امام علی علیه السلام: «للحق دولة و للباطل جولة؛ برای حق، دولتی پایدار و برای باطل، جولانی زودگذر است.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۵۴۴)

۱. اصلی‌ترین دشمن

بعد از پذیرش این مطلب که وجود دشمن و مبارزه جدی، برای رسیدن به اهداف مورد نظر در این انقلاب‌ها امری بدیهی است، سؤال این است که دشمن اصلی این قیام‌ها چه کسانی هستند؟ برای پاسخ به این پرسش باید به شناسایی دشمن اصلی نظام جمهوری اسلامی، به عنوان الگو و پیشرو در این انقلاب‌ها بپردازیم. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید:

دشمن نظام جمهوری اسلامی، یعنی شبکه استکبار جهانی، نه فقط حکومت آمریکا یعنی آن مجموعه سردمداران قدرت اقتصادی ظالمانه امروز دنیا که دولت‌ها را می‌آورند و می‌برند؛ در همین کشورهایی که به نام دموکراسی معروف شده‌اند، در خود آمریکا و در بعضی از کشورهای دیگر که با شبکه صهیونیستی پیوند استوار دارند، اینها هستند. دولت‌هایی که با این شبکه پرنفوذ و پر قدرت مستکبر جهانی در ارتباطند، منافع خودشان را در برابر نهضت اسلامی و بیداری اسلامی در خطر می‌بینند؛ این منافع نامشروع را در تهدید می‌بینند. دشمن، آنهاست. (بیانات در دیدار مردم شهرستان کازرون، ۱۳۸۷/۰۲/۱۶)

برای روشن شدن هر چه بیشتر مقصود ایشان از شبکه استکبار جهانی، توجه به این فرمایش ایشان لازم است که می‌فرماید:

استکبار جهانی یعنی شبکه در هم تنیده کارتل‌های نفتی و اسلحه‌سازی و صهیونیسم جهانی و دولت‌های وابسته به آنان، با خطری که از سوی بیداری امت اسلامی، احساس می‌کنند با تلاشی سراسیمه در حال تهاجم‌اند. مظهر این تهاجم که دارای ابعاد سیاسی و تبلیغی و نظامی و

تروریستی است، امروز در رفتار و گفتار خشونت‌بار و صریح نظامیان حاکم بر ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به وضوح دیده می‌شود. (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام در موسم حج، ۱۳۸۱/۱/۱۸)

۲. علت دشمنی‌ها

طبیعتاً هر آنکه به جدال و مخاصمه بر می‌خیزد، از جهت یا جهات متعددی احساس خطر کرده است که متحمل هزینه‌های این مبارزه می‌شود و آلاً بدون وجود این دلایل، مبارزه و ایجاد مزاحمت امری بی‌معناست. در این میان، مبارزه و دشمنی‌های اخیر نیز از این قاعده مستثنی نیست که به اهم آنها اشاره می‌کنیم.

یک. دشمنی با اسلام و معارف آن

مهم‌ترین عامل این دشمنی را باید در اسلامی بودن این انقلاب‌ها جستجو کرد؛ زیرا این دین اسلام و معارف اسلامی است که هرگونه تبعیت و سلطه‌پذیری از کفار را بر پیروان خود حرام و ناصواب دانسته است. قرآن کریم در این ارتباط بیان می‌دارد: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ (نساء / ۱۴۱) پیامبر اکرم ﷺ نیز در این باره می‌فرماید: «الْإِسْلَامُ يُعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ق: ۲۶ / ۱۴) لذا در واقع باید گفت اصل دشمنی با اسلام است نه مسلمین.

دو. توجه به ثمرات گسترده این بیداری و تعارض با منافع

از دیگر عوامل دشمنی جبهه استکبار علیه این انقلاب‌ها این است که از طرفی آنها سالیان زیادی خود را مالک این منطقه حساس و سوق‌الجیشی می‌دانستند و برای حال و آینده آن طرح و نقشه ریخته بودند، اما به یکباره تمام آنها را نقش بر آب یافتند؛ و از طرف دیگر توجه جوامع اسلامی به اهمیت نظام اسلامی، پیدایش شناخت صحیح‌تر از جبهه استکبار، درک ضرورت اتحاد بین مسلمین و نهایتاً حرکت ملت‌های اسلامی به سمت نظام اسلامی و تشکیل امت واحد اسلامی، از ثمرات اصلی این انقلاب‌هاست؛ (اقتباس از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۰۴/۱۰) که کاملاً مغایر با اهداف نظام‌های سرمایه‌سالار غربی است، لذا برای حفظ منافع خود چاره‌ای جز دشمنی و دامن زدن به جنگ و تفرقه ندارند، در توضیح این وجه از علت دشمنی آنها رهبر انقلاب می‌فرماید:

امروز هم برای این منطقه، پیش خودشان منافی تعریف کرده‌اند. بیداری اسلام، درست نقطه مقابل خواسته‌های آنهاست؛ لذا با همه وجود با آن مخالفند و مخالفت سیاسی و تبلیغاتی می‌کنند. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام و قشرهای مختلف مردم، ۱۳۸۴/۰۶/۱۱)

سه. ایستادگی مردم و غافلگیری آنها

از دیگر عوامل مؤثر در دشمنی شبکه استکبار جهانی این است که از قدرت اراده مردم و ایستادگی آنها غافل شده بودند و با توجه به محاسبات خودشان و با تکیه به امکانات ظاهری و مسئولان دست‌نشانده‌شان، بروز

چنین قیام‌هایی را اصلاً ارزیابی نمی‌کردند. به همین دلیل است که برای حفظ قدرت پوشالی خودشان نیز مجبورند بر سر راه این انقلاب‌ها موانعی ایجاد کنند. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

آمریکا در این قضایا غافلگیر شد، ضربه به او ناگهانی وارد شد؛ صهیونیست‌ها همین جور، دولت‌های مستعمر پرمده‌ای اروپایی همین جور - اینها غافلگیر شدند - اما می‌خواهند هر جور ممکن است، بر صحنه مسلط شوند...؛ هر کاری بکنند، این حرکت نهایت خوبی دارد به نفع مردم و به زیان قدرت‌ها. البته ملت‌ها باید به هوش باشند، بدانند که دشمن کمین کرده است. (بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان فارس، ۱۳۹۰/۰۲/۰۳)

سؤال اساسی دیگر این است که هدف نهایی نظام سلطه و شبکه استکبار جهانی از این همه دشمنی و معارضة و مبارزه چیست؟ پاسخ به این پرسش نیز دارای ابعاد گسترده‌ای است، اما به نحو مختصر و با اشاره به اصلی‌ترین هدفشان می‌توان گفت:

مقصود آنان از این همه، خسته و نومید کردن مردم و مردد و پشیمان کردن مبارزان است، که می‌دانند در این صورت، شکست دادن انقلاب، ممکن و آسان خواهد شد... برای آنان بازگرداندن ارتجاع و استبداد و حاکمیت وابسته در کشورهای انقلابی، اصلی است که همه این روش‌های کثیف را تجویز می‌کند. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶)

اما در بیان تحلیل اوضاع دشمنان بیداری باید گفت، امروز جبهه معارض و معاند دیگر از آن توان لازم برای رویارویی با این حرکت عظیم مردمی برخوردار نیست، و نقشه‌هایش، نقش بر آب گشته و آبرویش از بین رفته و با مشکلات عدیده‌ای از درون و بیرون مواجه است؛ اما در مقابل

امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده می‌کند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن کلفت عالم که همه دنیا در اختیار آنها هست، امروز در مقابل خیزش امت‌های مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آنها بسته است و این نشان‌دهنده وعده الهی است که فرمود: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ (حج / ۴۰) و فرمود: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ (قصص / ۵) اینها وعده الهی است. و فرمود: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ»؛ (یوسف / ۲۱) این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمان‌ها به تدریج خود را نشان می‌دهد. (بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر، ۱۳۸۷/۰۷/۱۰)

ولی با این حال توجه به این تذکر بسیار مهم رهبر انقلاب لازم است که می‌فرماید:

باید همه هوشیار باشند؛ هم ما هوشیار باشیم، هم ملت‌ها هوشیار باشند؛ بدانند دسائس و حیل‌های دشمنان متنوع است، پیچیده است. بصیرت را معیار کار خودمان قرار بدهیم. ملت‌ها توجه داشته باشند؛ آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها و مزدوران‌شان و همراهان‌شان سعی می‌کنند

انقلاب‌ها را منحرف کنند؛ کشورهایی را که در آنها بیداری به وجود آمده است، مورد توجه قرار می‌دهند؛ هر چه می‌توانند، تلاش می‌کنند حرکت این ملت‌ها را منحرف کنند؛ (بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۱۳۹۰/۰۴/۰۹)

و آنکه همگان بدانیم که:

البته دشمنان ملت‌های مسلمان - یعنی نظام سلطه، آمریکای شیطان بزرگ، صهیونیست‌های غدار و حیوان‌صفت - مشغول فعالیتند و دارند تلاش می‌کنند؛ می‌خواهند نگذارند این پیروزی‌ها به کام مردم شیرین بیاید و به معنای واقعی کلمه به پیروزی نهایی برسد؛ اما اگر ما ملت‌های مسلمان بیدار باشیم، به ندای قرآن - که ما را به صبر و استقامت و ثبات امر می‌کند، به ما امید می‌دهد - گوش کنیم، به خدای متعال سوء ظن نداشته باشیم، به وعده الهی امیدوار باشیم و برای آن تلاش و کار کنیم، بدون شک این ملت‌ها به پیروزی می‌رسند. (بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی ره، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴)

نتیجه

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت این انقلاب‌ها کاملاً اسلامی و مردمی است؛ زیرا با مراجعه به عوامل بسترساز (به عنوان اولین رکن از ارکان تحلیل)، می‌بینیم که اشخاص و نظام‌هایی که بسان الگو در مقابل این جریان‌ها قرار گرفته‌اند تماماً اسلامی هستند؛ از طرف دیگر وقتی به شعارها و اهداف این انقلاب‌ها نظر می‌اندازیم پررنگ‌ترین خواسته و مطالبه این انقلاب‌ها را اسلام و معارف اسلامی می‌یابیم. وقتی دیگر رکن تحلیل، یعنی عنصر میدان‌دار را نیز مورد مذاقه قرار می‌دهیم درمی‌یابیم که مردم، محوری‌ترین و اصلی‌ترین صاحبان این انقلاب‌ها هستند؛ در نهایت آنگاه که نظر به عوامل معارض با این انقلاب‌ها نیز می‌اندازیم، مشاهده می‌کنیم که اسلام و اسلام‌خواهی این انقلاب‌ها از مهم‌ترین عوامل دشمنی با آنهاست. بنابراین به عنوان کلام آخر باید بگوییم که ماهیت این انقلاب‌ها را باید در دو قید «اسلامی» و «مردمی» بودن لحاظ کنیم.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی از سال‌های ۹۲ - ۶۸.
۳. پارسا، حمید، ۱۳۸۹، حدیث پیمانه، قم، دفتر نشر معارف.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامی.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.